

عبارت‌اند از:

۱. **تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان:** به علت کثرت جمعیت کیفری، برنامه‌های اصلاحی موفقیت‌آمیز نبوده است؛ به طوری که متهمان و محکومان سابقه‌دار و بی‌سابقه هم‌زیستی اجباری داشته، در نهایت برای فعالیت‌های بزهکارانه در آینده برنامه‌ریزی می‌کنند؛
۲. **مشکلات و معضلات بهداشتی و شیوع انواع بیماری‌های عفونی:** این مسئله به‌عنوان یک عامل ناکارآمدی حبس است.
۳. **کمبود مأمور مراقب و مددکار زندان:** براساس استانداردهای بین‌المللی باید در قبال هر نفر زندانی، یک مأمور مراقب باشد درحالی‌که در کشور ما برای هر ۱۴۰ نفر یک مأمور مراقب وجود دارد و نیز برای هر ۹۰ نفر زندانی یک مددکار باید در نظر گرفته شود، درحالی‌که این آمار در زندان‌های کشور ما به ازای ۱۱۴۵ نفر زندانی یک مددکار است. همین امر باعث شکست برنامه اصلاح و درمان می‌شود.
۴. **پذیرفتن حبس به‌عنوان مجازات اصلی جرائم در قوانین جزایی:** یکی از مشکلات اساسی کشور ما داشتن زندان‌هایی شلوغ است. اصل پذیرفتن زندان به‌عنوان مجازات آن هم برای همه گونه جرائم و همه شرایط و اوضاع و احوال در قوانین و مقررات مختلف؛ برای مثال، قانون تعزیرات و بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است، در صورتی که در خیلی از موارد به نظر می‌رسد باید از آن عمل ارتكابی عنوان جرم را حذف کرد، یا اینکه از پذیرفتن کیفر حبس به‌عنوان مجازات اصلی خودداری شود. به این ترتیب، مهم‌ترین نقص مجازات سالب آزادی افزایش خطر تکرار جرم است که آن را تا حدود ۵۰ درصد دانسته‌اند.

جرم‌زا بودن محیط زندان

مخالفان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم‌زا و مجرم‌پرور تبدیل شده است. دلایل جرم‌زا بودن محیط زندان عبارت‌اند از: الف- زندان مکانی مناسب است برای آماده کردن و انتقال متون ارتكاب بزه طی مدتی که زندانیان در یک جا با هم در ارتباط هستند؛ به عبارت

دیگر، همان پدیده فرهنگ‌پذیری از زندان در وهله اول برای خود زندانی مدنظر است؛ زیرا محکومی که به خاطر ارتكاب جرم کم‌اهمیت به زندان رفته ممکن است با تماس با بزهکاران حرفه‌ای داخل زندان به مجرم حرفه‌ای تبدیل شود. به همین علت برخی معتقدند: زندان موجب ارتقای کیفیت جرائم می‌شود؛ زیرا هرچه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حيله‌های بزهکاری نیز بیشتر می‌شود. در وهله دوم، نسبت به سایر افراد جامعه، زیرا زندانی با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می‌شود و پدیده‌ای به نام فرهنگ‌پذیری از زندان ممکن است از طرف عموم افراد جامعه رخ دهد و افرادی به سمت ارتكاب بزه با الگو و فرهنگ‌پذیری از زندانی سوق پیدا می‌کنند. بنابراین در جرم‌شناسی‌های معاصر نظریه‌ای با عنوان «فرهنگ‌پذیری زندان» مطرح شده که گونه‌های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان اثر می‌گذارد.

ب- زندان مکانی مناسب برای ارتكاب خشونت و ستیزه‌جویی است: این خشونت ممکن است در نتیجه عمل زندانیان نسبت به همدیگر «زدو خورد، ناسزا گفتن و...» یا عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان یا اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد. «مارک آنسل» در این باره می‌گوید: کارشناسان آگاه به مسائل زندان به ما می‌گویند زندان با توجه به قیود و اختلاط و خشونت‌هایی که بر آن حکم فرماست در حقیقت یک تنبیه بدنی واقعی است که به تمامیت جسمانی و روانی محکوم آسیب می‌رساند و آن چنان اختلالاتی در شخصیت وی ایجاد می‌کند که نتیجه آن یا برعکس حالت طغیان است و به صورت پرخاشگری‌های روزافزون با توسل به خشونت متجلی می‌شود. شورش‌های زندانیان

99 زندان مکانی مناسب برای ارتكاب خشونت و ستیزه‌جویی است: این خشونت ممکن است در نتیجه عمل زندانیان نسبت به همدیگر «زدو خورد، ناسزا گفتن و...» یا عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان یا اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد. 66

بیشتر فقط جلوه‌ای از این حالت است. از علل رفتار خشونت‌آمیز زندانیان به نظر می‌رسد که زندانی در مقایسه جرم ارتكابی خود با دیگران و مدت حبس تعیین شده برای آن یا به دلیل عدم تناسب میان جرم ارتكابی‌اش و مدت حبس یا به دلیل جرم نداشتن عمل خود، مجازات صادره را ناعادلانه و غیرواقعی دانسته، در نتیجه اقدام به بروز رفتار خشونت‌آمیز از خود می‌نماید.

ج- عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان: بنا به گفته رئیس سازمان زندان‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ تا مهر ۱۳۸۱ به میزان ۸۰ کیلوگرم هروئین در زندان‌های کشور کشف شده است و آمار دیگری نشان می‌دهد، تنها در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۱۴۳ کیلوگرم مواد مخدر در زندان‌های کشور کشف شده که ۲۳ کیلوگرم آن هروئین بوده است. روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آن‌ها از محیطی که در آن زندگی می‌کنند زندان‌ها را به محیطی جرم‌پرور تبدیل کرده است. به‌عنوان مثال، زندان چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی است موجبات بروز انحرافات جنسی را فراهم می‌کند که بیانگر مجرمانه و مجرم‌پرور بودن محیط زندان است.

تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها

اصل بر این است که مجازات تنها بر شخص مجرم تحمیل شود و کیفر حبس در ظاهر بر خود زندانی تحمیل می‌شود، اما باید گفت که زندانی شدن مجرم، بی‌شک به شکل غیرمستقیم آثار زیان‌بار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی به بار می‌آورد. در نتیجه به اصل شخصی بودن مجازات خدشه وارد می‌شود و مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می‌کند. نمونه‌ای از این مشکلات که می‌توان اشاره کرد، نگرانی و احساس ناامنی میان سایر اعضای خانواده، نداشتن منبع درآمد، ترک تحصیل فرزندان، سرخوردگی در جامعه و بین دوستان و حتی طرد شدن از جمع فامیل و دوست و آشنا و... است. در برخی موارد زندان به‌عنوان «داروی بدنی از درد» تعبیر می‌شود.

عناصر اصلی خانواده هم مسئول جامعه‌پذیری فرزندان هستند و هم باید در خارج از خانواده بر آن‌ها نظارت داشته باشند، بر این اساس عدم حضور عناصر اصلی خانواده